

بالاحصار کابل و پیش آمد های تاریخی

شهنزاده سلیمان
پسر زمانشاہ:
نامه شهنزاده
سلیمان به پدرش:

قبل از اینکه واقعات مر بوط به زمانشاہ
را که بصورت ایجاز آن هم بیشتر طبق
مرام این اثر در چوکات کابل و بالا حصار
تعقیب شده است خاتمه دهیم از يك

موضوع جدیدی که گمان میکنم تازه کسی دارد کمی صحبت میکنیم و آن
عبارت از معرفی شهنزاده سلیمان يك پسر دیگر زمانشاہ و متن يك نامه
ایست که نامبرده به پدرش نوشته و تا حدی جنبه تاریخی دارد: در مآخذ
تأخدی که به نظر رسیده در قطار پسران زمانشاہ از پسر بنام شهنزاده سلیمان
اسم برده نشده است.

در مرقع سوم اسناد خطی موزه کابل به قید شماره (۶) نامه ایست که
شهنزاده سلیمان پسر زمانشاہ برای پدرش نوشته و قبل از آنکه در اطراف
این نامه مختصر تبصره بی بعمل آید متن آنرا نقل میکنیم (۱)

«عزضا داشت احقر قریباً فیضان بدو در آن حضور فیض گنجور اقدس»
«اشرف اعلی اینک: جانها زاد قدیمی محمد حسین خسر بوره حسن خان»
«وارد گردید. خوانین درانی و هر طایفه را به معرفت محمد ناصر خان»
«دیدم که با فضل خدا بر وفق دلخواه صورت گرفته. چون درینوقت»
«وقت همت و مردانگی و سچهل نفر آدم و نوکران زبده بگذار آید»
«وجه درست که این مردمان و خوانین زادگان که پیرا مون اینجانب»

(۱) مکتوب هائی که سه موقع (۱) (۲) (۳) را در جمله اسناد خطی موزه کابل تشکیل داد چند سال
قبل از ورثه امین الله خان لوگری برای موزه خریداری نمودم که در مجموع اسناد خطی
آن مؤسسه محفوظ است.

« شب و روز خدمت و جانفشانی حاضر باید فرا حور خدمات «ربك خاغت ه»
 « داده شود و با اخراجات بومیه بکار است و هر گاه وجه نرسد کما غذ»
 « بانگه روانه دارند و اسباب آنچه بکار است خدا خیر خواهد کرد»
 « روانه دارند دیگر احوالات را زبانی آنچه عرض کند صدق دانند»
 « شهزاده سلیمان پسر شاه زمان»

* * *

این نامه متأسفانه تاریخ ندارد و اگر تاریخ هم داشته در اثر موربان نه خوردگی‌های بزرگی که در حاشیه سمت راست مکتوب ملاحظه میشود از بین رفته درمهم بزرگ مستطیل که در ظهر نامه چسبیده شده « شهزاده سلیمان پسر شاه زمان است» واضح خوانده میشود. متأسفانه در متن مضمون مهر هم سنه نیست از فحوای کلام متن مکتوب چنین استنباط میشود که متعلق به روزهای پر آشوب باشد و بسیار احتمال میرود که این روزها همان روزهای اضطراب آنکیز اخیر سلطنت زمان شاه باشد. مکتوب واضح میگوید که شاه زمان یکی از نوکران معتمد خود (خانه زاد قدیمی محمد حسین خسر پوره حسن خان) را نزد پسرش که معلوم نیست از کجا بوده فرستاده اینهم معلوم نمیشود که شاه از کجا این نوکر معتمد را نزد پسرش اعزام نموده. شهزاده سلیمان با به دستور پدر یا به رای و صواب دید خود توسط شخص ثالثی که بنام محمد ناصر خان معرفی شده خوانین درانی و سایر طوایف را دیده و در جلب ایشان به طرفداری زمان شاه صرف مساعی کرده است. از بعضی جمله‌های دیگر متن نامه مثل: (وقت همت و مردانگی) است و (سی چهل نفر آدم و نوکران زبده بکار است) و غیره معلوم میشود که وقت؛ وقت غیر عادی بوده و زمان شاه و پسرش به آدمان زبده حتی به عده محدود سی و چهل نفر هم ضرورت زیاد داشته اند. خلاصه تا جائی که قرائن و کلمات این مکتوب مهم تاریخی نشان میدهد از خلال سطور آن عین فضای پر اضطراب روزهای اخیر سلطنت زمان شاه را با همه تشویش‌ها و احتیاجات واضطراب آن میتوان دید والله اعلم.